

Abstract

In the current era of the legislature of each country, in addition to establishing the rules governing the legal relations of the citizens of that country with each other or the government, the regulation of the rules governing relations with foreign nationals in its territory on the one hand right and on the other its duty Counts. One example of jurisprudence is financial law, which includes the right to own immovable property, employment, and movable and immovable property transactions. People residing as foreign nationals in other countries are usually deprived of financial rights in some cases, or at least have restrictions. Among the rights that have restrictions and deprivation and do not have full rights are public, private and personal status issues that the host countries have provided special treatment for such foreign nationals. In domestic law of Iran, in accordance with international regulations in civil law, including Articles 961 and 962 of the Civil Code, the rights of foreign nationals are defined and described, and while repeating the rule of conflict, the rights of foreigners in certain areas are subject to certain conditions, including behavior. Reciprocity between government is known.

مطالعه تطبیقی حقوق مالی بیگانگان در حقوق ایران و کنوانسیونهای بین المللی.

فاطمه توکلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۳۰

احمد اسدیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۴

بابک وثوقی فرد^۳

چکیده

یکی از مصادیق علم حقوق، حقوق مالی است که شامل حق تملک اموال غیر منقول، اشتغال، معاملات اموال منقول و غیر منقول می شود. افرادی که به عنوان تبعه بیگانه در کشورهای دیگر اقامت دارند معمولاً در مواردی از حقوق مالی محروم بوده و یا حداقل دارای محدودیت هایی هستند، از جمله حقوقی که دارای محدودیت ها و محرومیت بوده و از حقوق کاملی برخوردار نیستند، حقوق عمومی، خصوصی و مسائل مربوط به احوال شخصیه است که کشورهای پذیرنده تدابیر خاصی را برای این قبیل افراد (تبعه بیگانه در نظر گرفته اند. در حقوق داخلی ایران به تبعیت از مقررات بین المللی در قانون مدنی از جمله مواد ۹۶۱ و ۹۶۲ قانون مدنی حقوق اتباع بیگانه تعریف و توصیف شده و ضمن تکرار قاعده تعارض قوانین حق تمتع بیگانگان را در زمینه های معین منوط به احراز برخی شرایط از جمله رفتار متقابل میان دولت دانسته است

کلید واژگان: تابعیت، بیگانه، اخراج بیگانه، حقوق عمومی بیگانه، حقوق مالی، اشتغال بیگانه، استملاک بیگانه، معاملات بیگانه

^۱ دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات

^۲ استادیار گروه حقوق عمومی واحد تهران مرکز، استاد راهنما.

^۳ استادیار گروه حقوق واحد تهران غرب استاد مشاور.

در دوران کنونی قوه قانونگذاری هر کشور، گذشته از وضع قاعده های حاکم بر روابط حقوقی اتباع آن کشور با یکدیگر و یا دولت، تنظیم قاعده های حاکم بر روابط با اتباع بیگانه را نیز در قلمرو خود از یک جهت حق و از جهت دیگر تکلیف خود می شمارد. قاعده هایی که بدین گونه از سوی قانونگذاران هر کشور درباره بیگانگان وضع می گردند عام می باشند. به این معنی که شامل همه بیگانگان می گردند. در کنار این قاعده ها، قواعدی دیگر هم یافت می شوند که تنها شامل دسته ای از بیگانگان می باشند، مانند: قاعده هایی که آنها را دولتها در عهدنامه های میان خود، به نفع اتباع یکدیگر می پذیرند و اجرای آنها را متعهد می گردند. با وضع این قاعده ها دولت نشان می دهد برای بیگانگان در قلمرو خود قائل به شخصیت حقوقی بوده آنها را بهره مند از حقوق می شناسد. این ترتیب از حیث نظم داخلی مفید و با مقتضیات نظم بین المللی سازگان و با ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر به این عبارت: هر کس حق دارد شخصیت حقوقی او در همه جا محترم شمرده شود»، هماهنگ است. با این وصف دولتها ناگزیر لیستند حقوق بیگانگان را برابر حقوق اتباع خود قرار دهند. اگر مقایسه ای اجمالی میان حقوق اتباع و بیگانگان در کشورهای گوناگون صورت گیرد دیده می شود اگر حقوق این دو دسته افراد در مواردی یکسان است در مواردی دیگر متفاوت و حقوق بیگانگان از حقوق اتباع محدودتر است حتی در مواردی آنان به لحاظ بیگانه بودن از برخی حقوق محروم اند. در ایران مقررات قانون گوناگون درباره وضعیت بیگانگان موجود است. این مقررات بر دو گونه اند: یک دسته مقرراتی می باشند که در آنها شرایط آمدن بیگانه به ایران و اقامت و کار او در این سرزمین و خروج او از کشور تعیین گردیده اند. این مقررات از مقررات اداری است و هر بیگانه ای در ایران باید وضعیت خود را با آن تطبیق دهد. دسته ای دیگر قاعده هایی می باشند که در آنها حقوق بیگانگان در ایران تعیین گردیده است. اولویت مقررات دسته اول بر دسته دوم در آن است که شرط استفاده بیگانه از برخی حقوق در ایران بسته به انطباق وضع او با مقررات اداری یاد شده می باشد، مانند آنکه شرط استفاده بیگانه از حق کار در ایران آن است که وی رواید ورود، پروانه اقامت و پروانه کار از مراجع ذیربط ایرانی گرفته باشد روابط حقوقی اشخاص بیگانه در ایران دارای صور گوناگون و در سطوح مختلف است. برجسته ترین این رابطه ها را روابط آنان با دولت تشکیل می دهد. این قسم رابطه ها دارای جنبه اداری و رسمی؛ یعنی رابطه هایی که بر اثر مراجعه بیگانه به مراجع صالح دولتی ایران برای گرفتن انواع اجازه های لازم برای خود، مانند رواید ورود به ایران و پروانه کار در ایران شکل می گیرند و منتهی به صدور پروانه برای آنها می گردد. نوع دیگر، روابط آنان با افراد و اشخاص حقوق خصوصی یعنی روابطی است در زمینه حقوق خصوصی مانند انواع معاملات یا حقوق راجع به احوال شخصی و سرانجام روابط آنان در زمینه حقوق عمومی مانند حق مراجعه آنان به دادگاههای ایران برای احقاق حقوق خود یا دفاع از دعوی که علیه آنان مطرح گردیده است بیگانگان در خصوص حقوق مالی از شرایط خاصی برخوردارند. در حقوق ایران برای معاملات و اشتغال آنها شرایط کاملاً دوستانه ای فراهم است علاوه بر آن نیز دارای محدودیتهایی نیز می باشد که در حقوق بین الملل نیز این نوع شرایط کاملاً طبیعی و عادی است و هر کشوری طبق مقررات داخلی و همچنین عهدنامه های دوجانبه و چندجانبه ای که با دول دیگر برقرار می کند حقوق مالی بیگانگان را می پذیرد و اعمال می کند درباره استملاک اتباع بیگانه در ایران به این ترتیب عمل می شود که پیشگیری از نفوذ اتباع بیگانه در قلمرو کشور و کنترل

توسعه فعالیتهای اقتصادی آنان از حیث خرید اموال غیرمنقول و تجربه تلخ کاپیتولاسیون و منشاء وضع قوانینی در این خصوص گردیده است که قانون راجع به اموال غیرمنقول اتباع خارجه مصوب خرداد ۱۳۱۰، آیین نامه استملاک اتباع خارجه مصوب ۱۳۲۷، تصویب نامه راجع به استملاک اتباع بیگانه مصوب مهر ۱۳۴۲ و آیین نامه اجرایی این مصوبه از جمله مقررات مربوط به همچنین اتباع خارجه به موجب عهدنامه های مصوب بین دولتها می توانند دارای حق استملاک شوند. و این موضوع هستند اما در خصوص اتباع دولتی که با ایرانیان عهدنامه ای ندارند و قصد تملک املاک غیر مزروعی را دارند مشروط بر اینکه فاقد پیشینه کیفری بوده و تملک آنها مغایر و منافی با نظم عمومی و قانون و عهدنامه های دولت ایران نباشد و اقامت دائمی در ایران داشته باشند و قصد سرمایه گذاری در اموال غیر منقول نداشته باشند و قصد آنها صرفا سکونت یا کسب باشد، به شرط رفتار متقابل دول متبوع آنها با اتباع ایرانی می توانند املاک غیر مزروعی را با رعایت شرایط ذکر شده تمیک نمایند. در قوانین راجع به استملاک اتباع بیگانه، به بیگانه اجازه تملک نامحدود داده نشده و تصریح شده که منظور از مالکیت باید برای محل سکونت، صنعت و یا محل کسب باشد و همچنین از آنجا که بیگانه فقط به همان منظور ممکن است اموال غیر منقولی در ایران تملک نماید تقاضا کننده خارجی تعهد می نماید که هرگاه بخواهد محل اقامت دائمی خود را به خارج از ایران انتقال دهد باید ملک مورد تقاضای استملاک را حداکثر تا ۶ ماه از تاریخ خروج از ایران به یکی از اتباع ایران یا خارجیانی که طبق مقررات اجازه استملاک تحصیل نموده اند، انتقال دهد و الا اداره ثبت مربوطه با اجازه اداره کل ثبت ملک را از طریق مزایده بفروش رسانیده و وجه آن را پس کسر هزینه ها و عوارض قانونی به مالک خواهد پرداخت. البته تملک املاک مزروعی و توابع آن نظیر قنوات، چشمه سارها، باغات، مراتع و امثال آن برای اتباع بیگانه بطور کلی ممنوع است، همچنین هر ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل کرده است حق تملک اموال غیرمنقول را که موجب سلطه اقتصادی خارجی شود ندارد. (تبصره ۲ ماده ۹۸۷ ق.م.پیشینه و مبانی نظری تحقیق)

پیشینه

در خصوص موضوع تحقیق حاضر توسط نویسندگان حقوقی در نوشتارهای متعددی به تحقیق و پژوهش پرداخته اند به عنوان نمونه می توان به موارد زیر اشاره نمود

(۱) خانم مهناز رئیسی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان، مسئولیت دولت در قبال قوای سه گانه " به بررسی ماهیت حقوق، تکالیف و مسئولیت های دولت در قبال قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه پرداخت است. حدود مسئولیت دولت در مسائل مختلف در قبال این سه نهاد مبنایی از جمله موضوعاتی است که مورد بررسی قرار گرفته است.

(۲) خانم انیسه اسدی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان مسئولیت بین المللی دولتها در قبال نقض حقوق بشر توسط قوه قضائیه به بررسی جنبه های بین المللی مسئولیت دولتها در قبال نقض حقوق بشر پرداخته است. نگارنده در این پایان نامه یکی از مبانی مسئولیت دولت ها در سطح بین المللی را ناشی از اقدامات و اعمال قوه قضائیه در نقض حقوق بشر می داند که در نهایت برای دولت مسئولیت بین المللی ایجاد خواهد کرد.

۳) خانم مهنوش امیری در رساله دکترای خود تحت عنوان مسئولیت و تکالیف حقوق بیگانه در ایران، فقه و حقوق بین الملل^۴ به بررسی مسئولیت ها و تکالیف دولت ها در حقوق بیگانه پرداخته اند. در این رساله که حالت تطبیقی دارد به بررسی حقوق و تکالیف بیگانگان در حقوق ایران فقه و حقوق بین الملل پرداخته است.

۴) آقای حسین دعاگو در رساله دکترای خود تحت عنوان "مطالعه تطبیقی مسئولیت دولت ناشی از فعل اتباع در ایران و حقوق بین الملل" به بررسی مسئولیت دولت ناشی از فعل اتباع بیگانه در حقوق ایران و مقررات بین المللی از منظر حقوق تطبیقی پرداخته است. در این رساله به آثار زیانبار افعال بیگانگان و مسئولیتی که در قبال این افعال برای دولت ها ایجاد می شود مورد بررسی قرار گرفته است

مبانی نظری

این نوشتار را با تعریف و بیان مفهوم تابعیت و مفهوم بیگانه و تقسیمات آن آغاز می کنیم. تعریف تابعیت در حقوق ایران و بین الملل چیست و چه اشخاصی بیگانه تلقی می شوند، و مصادیق آن کدامند. مبانی قانونی حقوق بیگانگان در ایران و کنوانسیون های بین المللی و انواع حقوق تبعه بیگانه در حقوق ایران و بین الملل چیست؟ به دنبال بیان این موارد در فصل دوم به بررسی حقوق مالی اتباع بیگانه در قانون ایران و کنوانسیون های بین المللی که مبحث اصلی نوشتار حاضر را تشکیل می دهد خواهیم پرداخت

تابعیت

در کنوانسیون های بین المللی، هرچند اتفاق نظری در مورد تعریف دقیق تابعیت بین علمای حقوق وجود ندارد، با این حال می توان گفت که «تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می سازد و آن فرد جزء عناصر اساسی و دائمی دولت مزبور گردد.» با توجه به خصیصه سیاسی تابعیت، یعنی ناشی شدن آن از حاکمیت دولتها، این دولتها هستند که تعیین می کنند چه اشخاصی تبعه آنها هستند و یا برای داشتن تابعیت آنها چه شرایطی باید موجود باشد. اثبات وجود رابطه تابعیت بین شخص و دولتی معین بر مبنای قانونگذاری همان دولت است و این قوانین اعم از قانون اساسی، قانون عادی و آیین نامه های مربوطه می باشند. هرچند تعیین تابعیت علی الأصول مربوط به قوانین داخلی یک دولت می شود، مع الوصف صلاحیت دولت در این خصوص ممکن است از طریق معاهده محدود گردد. به این معنی که یک دولت می تواند با توجه به شرایط و خصوصیات خاص خود، در حیطه و چارچوبی که معاهده تعیین می کند تابعیتش را به بیگانگان بدهد، علاوه بر قوانین داخلی و عهدنامه های بین المللی، سایر اصول و موازین حقوق بین الملل از قبیل عرف بین المللی و اصول حقوقی عام در زمینه تابعیت نیز در امر تعیین تابعیت مؤثرند و قوانین تابعیت یک کشور نباید مغایرتی با آنها داشته باشد. هر چند تعیین اتباع هر دولت به قانونگذاری همان دولت متعلق است و دولتها در تعیین اتباع خود از آزادی برخوردارند؛ ولی این اصل رافع حق اشخاص برای داشتن تابعیت نمی باشد. بر این اساس مسأله

طرق به دست آوردن تابعیت مطرح می گردد که در قوانین داخلی دولتها که همواره به بیگانگان مربوط می شود و هر دولتی بنا بر شرایط و مقتضیات خود، تقاضای تابعیت را قبول و یا رد می نماید باتوجه به صبغه سیاسی تابعیت، دولتها معمولاً عمل خود را مشروط به شرطی نمی کنند که وجود آن وابسته به عمل دولتهای دیگر باشد؛ فلذا بیگانگان را به تابعیت خود می پذیرند با این که تابعیت قبلی خود را حفظ نموده اند که این امر منجر به پدیده تابعیت مضاعف می شود. اگر داشتن تابعیت برای هر شخصی جزء ضروریات نظم بین المللی است، همان نظم ایجاب می کند که هر شخصی تنها تابعیت یک دولت را داشته باشد؛ چراکه داشتن تابعیت بیشتر علاوه بر این که می تواند موجب اصطکاک بین دولتهای متبوع شخص شود، همچنین موجب تکالیف مضاعف شخص نسبت به همه تابعیت های او شده که چه بسا در برخی مواقع اجتماع این تکالیف دشوار باشد با عنایت به این که دولتهای متبوع وی نیز نمی توانند از او در برابر یکدیگر حمایت سیاسی نمایند برای رفع مشکل تابعیت مضاعف اقداماتی در سطح بین المللی صورت گرفته که از جمله آن می توان به کنوانسیون لاهه در مورد تعارض تابعیت مصوب ۱۲ آوریل ۱۹۳۰ اشاره کرد. بر اساس ماده ۶ این کنوانسیون: « شخصی که بدون اراده خود دارای دو تابعیت شده است می تواند بدون لطمه به آزادی یک دولت و با اجازه دولتی که مایل است تابعیت آن را ترک نماید یکی از دو تابعیت خود را از دست بدهد.» ماده ۹۸۴ قانون مدنی ایران این راه حل را پذیرفته است، در این ماده بیان می دارد: « زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می نمایند تبعه دولت ایران شناخته می شوند ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام می توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن به اظهاریه تاوولد اعم از «ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود علیرغم تلاش بین المللی برای کاستن تابعیت مضاعف این وضعیت تاکنون ادامه داشته و به طور کلی اسناد بین المللی نیز آن را می پذیرند. چنان که ماده ۳ کنوانسیون های مذکور اشعار می دارد: « با رعایت مقررات کنوانسیون حاضر، شخص دو یا چند «کشورها» تلقی خواهد شد. تابعیتی، تبعه هر یک از آنها در تعارض بین دو تابعیت، حقوق بین الملل وارد مقوله شناسایی یک تابعیت و رد یک تابعیت دیگر نمی شود. ولی در مقام حمایت دیپلماتیک ناچار متوسل به «تابعیت مؤثر با عملی» می شود. شایان ذکر است که قاعده تابعیت مؤثر قاعده حل لذا تعارضی بین ماده ۳ و سایر مواد کنوانسیون مذکور وجود ندارد. ماده ۵ تعارض است و تابعیت های دیگر را باطل نمی کند کنوانسیون در این زمینه مقرر می دارد: « در یک کشور ثالث فردی که بیش از یک تابعیت دارد، به عنوان فرد یک تابعیتی شناخته می شود. کشور ثالث از میان تابعیت های آن شخص، یا تابعیت کشوری که او عات در آن ساکن است را می پذیرد و یا «کشوری که به نظر می رسد با آن نزدیکترین ارتباط و علاقه را دارد لذا برای تشخیص تابعیت عملی یا مؤثر، قاضی باید قرائن و اوضاع و احوال را در نظر گرفته و ببیند فرد در عمل به کدام دولت بیشتر تعلق و بستگی دارد. از این لحاظ محل سکونت، زبان، تابعیت همسر شخص، گذرنامه ای که مورد استفاده قرار گرفته و همچنین انتخاب خود شخص - البته به عنوان یکی از عوامل تابعیت عملی و نه به عنوان تنها عامل تعیین کننده مورد توجه. قرار می گیرد دولتها به موازات دارا بودن صلاحیت برای تعیین این که چه اشخاصی دارای تابعیت آنها هستند همچنین صلاحیت دارند که شرایط و اشکال از دست دادن تابعیت را نیز مشخص نمایند. با عنایت به این که از دست دادن تابعیت در وضع حقوقی

اشخاص مؤثر است، بنابراین موضوع از لحاظ حقوق بین الملل نیز دارای اهمیت می‌شود. روشهای مختلفی برای از دست دادن تابعیت وجود دارد که از جمله آنها ترک تابعیت، محروم سازی و جانشینی می‌باشد. چنانچه افرادی بدون به دست آوردن تابعیت دولتی دیگر، تابعیت خود را از دست بدهند، بی تابعیت می‌شوند و امکان وقوع چنین وضعیتی برای بعضی از بیگانگان وجود دارد که خواه ناخواه بر حقوق مربوط به آنان تأثیر می‌گذارد. از آنجای که هیچ دولتی صلاحیت اعمال حمایت دیپلماتیک را در مورد اشخاص بی تابعیت ندارد چنانچه این اشخاص لطمه یا خسارتی ببینند و دولت محل اقامت در جهت محدودیت هایی که دولتها در رفتار ناشایست رفع آن اقدامی به عمل نیوردد، در عمل وسیله ای برای جبران در اختیار ندارند خود با اشخاص بدون تابعیت دارند، محدودیتهای اخلاقی و صرفاً یک سری تکالیف کلی در برخی از اسناد بین المللی نظیر

مشور سازمان ملل متحد در خصوص رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی است به منظور رعایت هر چه بیشتر حقوق انسانی اشخاص بی تابعیت، اقداماتی در سطح بین المللی به وقوع پیوست تا از موجبات بی تابعیتی کاسته شود که به عنوان نموده می‌توان کنوانسیون لاهه در مورد تعارض تابعیت (۱۹۳۰) و کنوانسیون کاهش بی تابعیتی (۱۹۶۱) را ذکر نمود. چون تابعیت هنوز در صلاحیت دولتهاست، لذا بی تابعیتی همچنان ادامه داشته و تلاش های بین المللی نیز اثر محدودی داشته اند اما در حقوق ایران، در مورد تعریف تابعیت دانشمندان حقوق بین الملل بحث های مفصل و متعدد کرده اند و نظر واحدی ارائه نداده اند. ولی مطلبی که مسلم است خصلت سیاسی و داخلی بودن تابعیت است. زیرا تابعیت حالت یا صفتی است ناشی از این حقیقت که شخصی به یک ملت یا دولت تعلق دارد. ساده ترین و در عین حال کاملترین تعریفی که می‌توان از تابعیت داد این است که تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد تابعیت یک رابطه سیاسی است، زیرا از حاکمیت دولت ناشی می‌شود. دولت است که تعیین می‌کند چه افرادی تبعه او هستند و یا برای داشتن تابعیت این دولت چه شرایطی باید موجود باشد در واقع تابعیت وضع سیاسی فرد را با التزام وفاداری وی به داشتن اعتقاد خالصانه و اطاعت از قوانین دولت برقرار می‌کند و این وفاداری و اطاعت در مقابل حمایتی است که دولت از فرد می‌کند. بعلاوه، تابعیت یک رابطه حقوقی است، زیرا دارای اثرات حقوقی، در نظام بین المللی و در نظام داخلی، می‌باشد. در نظام بین المللی اتباع یک کشور از حمایت سیاسی دولت خود در خارج و نیز از حمایت کلیه قواعد پذیرفته شده مابین دولت خود و دولت (Protection diplomatique) دیگر (مثل عهدنامه ها برخوردارند. در نظام داخلی نیز تبعه از طرفی دارای حقوق سیاسی، مثل حق رأی، می‌باشد و از طرفی دیگر از کلیه حقوقی که توسط قوانین مدنی و تجاری وضع شده برخوردار است بالاخره تابعیت یک رابطه معنوی است، زیرا اتباع کشور را از نظر هدف ها و عادات و رسوم مشترکی که دارند به یک دولت پیوند می‌دهد و ارتباطی به مکان و زمان مشخص ندارد. هرگاه کسی تبعه دولتی محسوب شود، به هر کشور دیگری برود باز هم تبعه همان دولت می‌باشد و نفس تغییر مکان یا تغییر اقامتگاه تغییری در رابطه معنوی او با دولت متبوع خودش ایجاد نمی‌نماید. در یکی از آراء دیوان کشورمان که در تاریخ ۱۳۴۷/۰۷/۲۴ صادر گردیده، تعریف زیر از تابعیت داده شده است «تابعیت وصف و در عین حال رابطه حقوقی خاصی است که شخصی را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می‌سازد و «جزء عناصر و اوصاف ایجاد کننده حالت یا به تعبیر دیگر موقعیت حقوقی فرد در اجتماع

قرار می گیرد یافت شود. البته (Apatride) هر شخصی معمولاً دارای تابعیتی است، مگر این که در موارد استثنایی شخصی بدون تابعیت منظور از اشخاص فقط اشخاص طبیعی نیستند، بلکه اشخاص حقوقی هم دارای تابعیت هستند. حتی در مورد بعضی اشیاء منقول، مثل کشتی و هواپیما، به مناسبت موقعیت خاص آن ها، تابعیت قائل شده اند و فقط دولت است که می تواند تابعیت را به فردی بدهد. دولت (Nation) به فرد می دهد نه ملت (Etat) تابعیت را دولت شخصیت حقوقی است که، در حقوق بین الملل عمومی، نماینده گروهی از اشخاص محسوب می شود. در حالیکه ملت عبارت است از گروهی از مردم که در سرزمینی مشخص سکونت دارند و دارای نژاد، مذهب، زبان و آرمان های مشترک می باشند گرچه معمولاً مفهوم دولت و ملت بر یکدیگر انطباق دارند، اما در طول تاریخ گاهی با ملت هایی برخورد می نمائیم که تشکیل دولت نداده اند، مانند ملت فلسطین در زمان حاضر، یا ملت چک قبل از جنگ جهانی اول. بعلاوه بعضی اوقات چند ملت مختلف تشکیل دولتی واحد را می دهند مانند دولت و سئیس که از اقلیت های متعددی تشکیل یافته است و حتی در کانتون های مختلف آن به چهار زبان متفاوت تکلم می شود تابعیت از اراده مطلق دولت ها ناشی می شود و نباید تصور کرد که یک رابطه قراردادی و متقابل بین فرد و دولت است عقیده داشت. تنها در موردی که شخص تقاضای تابعیت دولتی را می کند می توان گفت که تا Weiss (چنانکه و پس حدودی اراده شخص نیز در این مورد مؤثر بوده است، زیرا اگر شخصی واقعا بخواهد تابعیت مملکتی را اکتساب نماید باید قبلاً شرایط لازم را برای اکتساب آن حائز باشد. اما دولت ها مجبور نیستند به شخصی که حائز شرایط لازم است و تقاضای تابعیت آن کشور را می کند، تابعیت خود را اعطاء نمایند و این امر بستگی کامل به اراده دولت دارد بعضی در این مطلب، که تابعیت یکی از مسائل حقوق بین الملل خصوصی است، شک کرده اند و آنرا رابطه ای عمومی و مربوط به حقوق عمومی دانسته اند. ولی باید توجه داشته باشیم که با این که تابعیت یک رابطه عمومی است ولی مربوط به شخصیت هر فرد می باشد و با احوال شخصیه ارتباط دارد. مثلاً یکی از طرق اعطای تابعیت اصلی، نسب است که جزء احوال شخصیه است. بعلاوه دعاوی مربوط به تابعیت، در صاحبیت دادگاه های دادگستری است نه محاکم اداری زیرا از طرف دیگر، تابعیت ارتباط کامل به مسأله تعارض قوانین، که از مسائل اساسی حقوق بین الملل خصوصی است، دارد برای تعیین قانون ملی اشخاص، در مورد کشورهایی که احوال شخصیه را تابع قانون ملی می دانند، ابتدا باید تابعیت شخص را شناخت. حتی برای تعیین اقامتگاه نیز در کشورهایی که احوال شخصیه را تابع قانون اقامتگاه می دانند، تابعیت افراد موردنظر قرار می گیرد، چون اقامتگاه اتباع کشور و بیگانگان به موجب یک قانون واحد تعیین نمی شود. بالاخره تابعیت با وضع بیگانگان نیز ارتباط دارد. زیرا برای تعیین وضع حقوقی افراد ابتدا باید تابعیت آن ها معلوم گردد. بنابراین تابعیت با کلیه مسائل مربوط به حقوق بین الملل خصوصی ارتباط نزدیک دارد و باید به عنوان یکی از مسائل حقوق بین الملل خصوصی در این نوشتار مورد مطالعه قرار گیرد مع الوصف، تابعیت، تعلق حقوقی و معنوی شخص به یک دولت است. شخصی که تبعه یک کشور باشد، از حقوق و تکالیفی برخوردار می شود. در تابعیت، رابطی فرد با دولت، رابطهای حقوقی، معنوی و دارای ماهیت سیاسی است. وجود علقه ی تابعیت میان فرد و دولت سبب می شود که فرد در همه ی کشورهای بیگانه از حمایت سیاسی دولت متبوع خود بهره مند شود مطابق قوانین موجود، اشخاص زیر تبعه ایران محسوب می شوند کلیه ی ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد؛ تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک:

- ۱- تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
- ۲- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشند
- ۳- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده اند
- ۴- کسانی که در ایران از پدری که تبعی خارجی است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام
- ۵- لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی است که مطابق قانون برای. تحصیلات تابعیت ایران مقرر است اصولاً تابعیت را از دو دیدگاه مورد مطالعه و بررسی قرار می دهند؛ یکی تابعیت از نظر تاریخی و دیگری تابعیت در نظام موجود، در این قسمت به بیان مختصری درباره این دو دیدگاه می پردازیم.

تابعیت از نظر تاریخی

تابعیت در کتب تاریخی با واژه های مختلف تعبیر شده است، مثلاً تا پیش از دوران اخیر در حقوق ایران تابعیت را مترادف با ملیت می دانستند، در حالی که ملیت بیشتر جنبه نژادی داشته و در این کلمه ریشه ای نژادی مورد نظر بوده است. تابعیت تا قبل از تصویب قانون مدنی ناپلئون که جنبه حقوقی یافت، بیشتر مفهوم تجربی داشت زیرا که در آن ایام مردم معمولاً در یک سرزمین متولد شده، در همانجا زندگی کرده، بالاخره در همان سرزمین نیز فوت می شدند و لذا خود سرزمین عاملی برای تعیین تابعیت افراد بوده است. دلیل این وضعیت این بوده است که در آن ایام سفر از یک سرزمین به سرزمین دیگر بسیار دشوار و امکان آن کم، و حتی در پاره ای از موارد هیچ بوده است. افزون بر آن، در گذشته بر اثر جدالهای مذهبی، مسئله کما اینکه طبقه بندی اتباع امپراطوری اسلامی بر پایه موقعیت مذهبی. تابعیت تا حدی با مسئله مذهب نیز در هم آمیخته بود آنها بوده است و بر این اساس بود که عده ای مسلمان و گروه دیگری اهل کتاب محسوب می شدند و اینان که مسلمان نبودند. با پرداخت مالیات خاصی به مسلمانان تأمین کافی می یافتند و بالاخره گروه سوم، کفار خوانده می شدند و اجنبی بودند بنابراین از نظر تاریخی اولاً تابعیت مفهومی جدا از مفهوم سرزمین نبود و به عبارت دیگر هر فردی که در یک سرزمین زندگی می کرد تابعیت همان سرزمین را داشت. ثانیاً تابعیت با ملیت و مذهب ارتباط قطعی داشت، بطوری که می توان گفت مذهب تابعیت افراد را مشخص می کرد. تابعیت در مفهوم امروزی پس از تصویب قانون مدنی ناپلئون بناپارت مورد مطالعه و بحث حقوقی واقع شده است. البته ناپلئون در انجام این امر که مصلحت سیاسی را که وحدت متصرفات خود بود، در نظر داشت و لذا در این قانون سخن از اتباع فرانسه و امتیازات آنها در برابر بیگانگان می گفت. بهر حال، بعداً سایر کشورهای اروپایی درصدد تهیه قوانین مربوط به تابعیت برآمدند. در آن ایام جمعیت زیادی از کشورهای استعماری نظیر فرانسه به مناطق تحت سلطه استعمار می

رفتند و چون تا آن زمان تابعیت بر پایه سرزمینی بود که فرد در آن زندگی می کرد، لذا کشورهای استعماری برای حفظ تابعیت افرادی که به سرزمین مستعمره می رفتند شرط تحصیل تابعیت را عامل قراردادند.

تابعیت در نظام موجود

مقررات تابعیت در دنیای امروزین، به دلیل افزایش جمعیت کشورها و وجود اختلاف سطح زندگی بیشتر جنبه اقتصادی دارد. در گذشته به علت وضعیت اقتصادی، عامل جمعیت یک کشور و افزایش آن نمایشگر میزان رشد اقتصادی آن کشور محسوب می گردید، کما اینکه آمریکا در ابتدای اکتشاف و در زمان سازندگی خود، احتیاج به نیروی انسانی سایر سرزمین ها داشت و لذا، شرط تحصیل تابعیت را تولد فرد در خاک آمریکا قرار داده است. ولی امروز در اثر افزایش جمعیت جهان و مشکلات ناشی از آن، کشورها درصدد نیستند که از طریق مقررات تابعیت بر جمعیت خویش بیفزایند فلذا، به علت ارتباط نزدیکی که بین چنان که ذکر شد، تابعیت مهم ترین عنصر در تعیین یک شخص به عنوان بیگانه است نهاد حقوقی تابعیت و مفهوم بیگانه وجود دارد، جا دارد ضمن بررسی مختصری که درباره تابعیت داشتیم، به بررسی مفهوم بیگانه نیز بپردازیم

بیگانه

در زبان انگلیسی به معنای **Foreigner** و **Alain Foreign** در روابط بین الملل و در کنوانسیون های بین المللی کلمات بیگانه، اجنبی و یا خارجی آمده است. در ترمینولوژی حقوق واژه بیگانه چنین تعریف شده است: «کسی که فاقد تابعیت در این Blacks کشور معینی است نسبت به دولت آن کشور و افراد آن، اجنبی (بیگانه محسوب می شود).» فرهنگ لغت زمینه بیان می دارد: «یک نفر خارجی کسی است که متعلق به ملت با کشور دیگری است و یا تحت صلاحیت کشور دیگر قرار.» دارد بنابراین بیگانه شخصی است که خواه به علت دارا بودن تابعیت دولت دیگر و خواه به علت نداشتن تابعیت هیچ کشوری، تبعه واژه بیگانه یک مفهوم کاملاً نسبی است چراکه بیگانه بودن یک فرد، وابسته دولتی که در سرزمین آن حضور دارد نمی باشد به نحوه ارتباط او با یک کشور خاص است. به عبارت دیگر نداشتن تابعیت یک کشور است که موجب بیگانه بودن می باشد. به عنوان مثال شخصی که تبعه دولت ایران است چنانچه برای انجام تحقیقات علمی و یا تحصیل به کشور فرانسه مسافرت نماید در جامعه فرانسه به عنوان بیگانه شناخته می شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق جزء پژوهش های کاربردی است که محقق سعی نموده است بر اساس یافته های تحقیق راه حل جدیدی در حوزه حقوق بیگانگان ارائه نماید.

از نظر ماهیت، از ابزارهای اسنادی و کتابخانه ای استفاده شده است گرچه از سایر ابزارها نظیر آراء دادگاه نیز بهره برداری گردیده است.

از نظر نوع تحلیل، محقق روش تحلیلی - توصیفی استفاده نموده است که سعی شده بدون استفاده از شاخص‌های آماری یافته‌های تحقیق، تجزیه و تحلیل و پس نتیجه‌گیری شود.

یافته‌های تحقیق

مسئله حقوق بیگانه تازه و جدید نیست. در طول تاریخ همیشه به نحوی مورد بحث و رسیدگی بوده و نظریاتی نسبت به آن بعضی از ابراز شده و قوانین کشورها تحت تأثیر افکار و نظریات، حقوقی وضعیت خاصی برای بیگانگان در نظر گرفته اس متفکرین شخصیت انسان را مورد توجه قرار داده و به آن تکیه می نمایند و حقوق وسیعی را برای بیگانه قائل هستند. در مقابل نظریاتی است که به برای حاکمیت سیاسی هر کشور بهای زیاد قائل است و می گویند هر کشور دارای یک سازمان سیاسی است و یک حاکمیت مستقل دارد و تمام این حاکمیت و استقلال متکی به اتباع آن است و اگر برای بیگانه حقی منظور گردد، از راه ارفاق است.

مسئولیت دولت در حمایت از بیگانگان

از نظر حقوق بین الملل، همه افراد بشر اعم از اتباع و بیگانگان از حقوق و آزادیهای اساسی برای زندگی برخوردارند و اسناد بین المللی حقوق بشر حداقل معیارها را برای سلسله ای از حقوق بنیادین بشر که بیگانگان نیز جزئی از آن محسوب می شوند، در ابعاد مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی تعیین می نمایند و بر این اساس، مروج معیار حقوقی مشترکی جهت احترام به کرامت و حیثیت افراد بشر هستند. تدوین این حقوق توسط سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر و در رأس آنها سازمان ملل متحد در قالب یک معاهده بین المللی جامع الأطراف برای حمایت گسترده تر از حقوق بیگانگان امری ضروری می نماید. زیرا همانطور که سایر اقلیتها در قالب معاهدات خاص از حمایت جامعه بین المللی برخوردارند، بیگانگان نیز به عنوان اقلیتی که از نظر توزیع فراوانی در هر جامعه ملی یافت می شوند، مستحق چنین توجیهی می باشند. البته بدیهی است که فقدان چنین معاهده ای در حال حاضر، به منزله نادیده گرفتن حقوق بیگانگان در قلمرو ملی نبوده بلکه کشورها موظفند کماکان بر اساس قواعد عرفی، قوانین ملی و سایر اسناد بین المللی حقوق آنها را محترم بشمارند چرا که در غیر این صورت حق کشور متبوع آنها در قالب حمایت سیاسی تجلی یافته و چه بسا موجبات مسئولیت بین المللی کشورهای مختلف را فراهم سازد. ناگفته پیداست که بیگانگان نیز در قبال کشور محل اقامت تکالیف و وظایفی را بر عهده دارند که در صورت عمل نکردن به آنها زمینه مجازات یا اخراج خود را مهیا می کنند. به عبارتی دیگر، حقوق و تکالیف کشور محل اقامت، بیگانگان و کشور متبوع آنها در تعامل با یکدیگر بوده و عمل شایسته به آنها یکی از زمینه هایی است که موجب تقویت هرچه بیشتر اجرای حقوق بشری و در نتیجه استحکام صلح و امنیت جهانی می شود.

ایجاد محدودیت برای بیگانگان

دولت محل اقامت در برخورد با بیگانگان از اختیارات گسترده ای برخوردار است. لذا می تواند از ورود بیگانگان به بعضی از حرفه ها و امور تجاری جلوگیری کند مگر آن که بر اساس معاهده حق چنین کاری را نداشته باشد. دولت محل اقامت می تواند حق مالکیت یا به ارث بردن املاک و مستغلات را از آنها سلب کند با این که محدودیتهایی را در این خصوص بر آنها اگر تحمیل کند. همچنین دولت محل اقامت می تواند آنها را ملزم به ثبت اسامی خود به منظور کنترل افعالیشان نماید هنگام بروز یک فاجعه عمومی مثل آتش سوزی یا شیوع یک بیکاری واگیردار، بعضی محدودیتهای اداری وضع گردد در آن صورت علاوه بر شهروندان می توان آن محدودیتهای را بر بیگانگان نیز اعمال کرد. میان بیگانگان مقیم و مسافران عادی تفاوت وجود دارد. اتباع بیگانه مقیم، به استثنای اتباعی که از حق مصونیت دیپلماتیک برخوردارند، نمی توانند ادعای معافیت از مالیات عادی با عوارض گمرکی را داشته باشند. دولت حق دارد به اموال غیرمنقولی که در تملک اتباع بیگانه غیرمقیم است در حوزه قضایی خود، و در اسناد و اوراق قرضه بیگانگان مقیم، مالیات ببندد.

تساوی بیگانگان و اتباع داخلی به هنگام ارتکاب جرم در برابر قانون

از آنجایی که قوانین جزایی، قوانین سرزمینی می باشند، لذا در مورد اعمال صلاحیت جزایی تفاوتی بین بیگانگان و اتباع یک دولت وجود ندارد. یک دولت می تواند اتباع بیگانه را به خاطر جرمی که علیه امنیت و استقلالش انجام داده اند ولو اینکه جرم در خارج از سرزمین دولت مزبور انجام شده باشد در سرزمین خود مورد تعقیب و مجازات قرار دهد.

محترم شمردن جان، مال و آزادی بیگانگان در حقوق داخلی

دولت محل اقامت باید به آزادی، جان و اموال اتباع احترام بگذارد. لذا از نظر بین المللی دولت وظیفه دارد که بیگانگان را حمایت و حفاظت نموده و نباید بین اتباع دول مختلف تبعیض قائل شود، بلکه مکلف به رفتاری دوستانه با همه بیگانگان می باشد. چنانچه اتباع بیگانه تعهدات و تکالیف محلی خود را از قبیل پرداخت مالیات، جریمه و امثالهم را انجام داده باشند، حق ترک کشور محل اقامت را داشته و آن کشور نمی تواند مانع این امر شود. اتباع بیگانه در حال عزیمت باید اجازه داشته باشند که همانند اتباع داخلی دارایی های منقول خود را با خود ببرند و دارایی های غیرمنقول را به اتباع داخلی واگذار نمایند. همچنین هر کشوری مسئول اعمال مخالف حقوق بین الملل دستگاه حکومتی خود، یعنی ارگانهای اجرایی، قضایی و قانونگذاری می باشد. لذا آنچه در اثر فعل یا ترک فعل ارگانهای مذکور لطمه یا خسارت به بیگانه وارد شود موجب مسئولیت دولت مزبور می شود و باید از عهده خسارات وارده برآید. ممکن است در قوه مقننه قانونی وضع شود و یا در قوه مجریه نیز فعلی یا ترک فعلی رخ دهد که موجبات تضییع حقوق اتباع بیگانه را فراهم آورد و خسارات مالی و یا جانی به دنبال داشته باشد که دولت باید از عهده آن برآید. البته نمی توان دولت محل اقامت را در همه مواردی که به بیگانگان خسارت یا لطمه وارد می شود مسئول دانست؛ از جمله هنگامی که خسارات وارده ناشی از رفتار تحریک آمیز بیگانگان باشد یا این که دولت محل اقامت به بیگانگان اخطار قبلی داده باشد که کشور را ترک کنند ولی بیگانگان آن را مراعات ننموده باشند

پذیرش حقوق مالی اتباع بیگانه همانند افراد عادی

در صحنه بین‌المللی، حقوق مالی اتباع بیگانه و شرایط آن تابع عهود منعقد میان دولته است و مقرراتی که طبق رفتار متقابل بین دولتها پیش‌بینی می‌شود، تعیین‌کننده حقوق و تکالیف آنها می‌باشد. همینطور، اشخاص حقوقی به حکم قانون دارای حقوق و تکالیفی هستند که برای افراد قابل شده است مگر حقوق و تکالیفی که ذاتا متعلق به انسان‌ها است مانند پدر شدن، سلب حقوق اتباع بیگانه در موارد خاص

در مورد بیگانگان، طبق حقوق ایران، چه اشخاص حقیقی (افرادی که تبعه کشور های خارجی هستند و چه اشخاص حقوقی موسسات و شرکت های خارجی)، اصل بر آن است که آنها از کلیه حقوق مقرر در قوانین ایران برخوردار می‌باشند مگر آنکه قانون به طور صریح آنها را از بعضی از آن حقوق محروم کرده باشد مواردی که بیگانگان از نظر حقوقی از آنها محروم هستند، عبارتند از: حقوقی که قانون آن را به طور صریح منحصر به اتباع ایران می‌داند یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است. برای تشخیص این موضوع که این حقوق کدامند، در هر موردی باید به قانون مربوط به همان مورد مراجعه کرد. برای مثال برابر اصل ۸۱ قانون اساسی، دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. همچنین در مورد حقوقی که به صراحت قانون، منحصر به اتباع ایران می‌باشد و به این مناسب بیگانگان از آن محروم هستند، حق کار در بعضی مشاغل می‌باشد. برای مثال برابر ماده ۱۲ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار، یکی از شرایط پذیرش اشخاص حقیقی به کارگزاری بورس، دارا بودن تابعیت ایران است

ایجاد محدودیت در خرید مازاد بر نیاز های اساسی

مورد دیگر اینکه بیگانگان افزون بر املاک مزروعی، از تملک املاک غیرمنقول دیگر مازاد بر آنچه که برای محل سکونت یا کسب یا صنعت خود نیازمند آن هستند، محروم می‌باشند. بنابراین اتباع بیگانه مالک در ایران، در اموال غیرمنقول، محدود به خرید ملک برای محل سکونت یا صنعت با کسب خود است ضمن اینکه صدور جواز این اموال برای اتباع بیگانه و مواد مندرج در آن نیز خود دارای شرایطی است

کسب مجوز های خاص از دولت برای انجام برخی معاملات

برابر آیین‌نامه استملاک اتباع خارجی، بیگانه‌ای که می‌خواهد ملکی را در ایران خریداری کند، باید قبل از انجام معامله از دولت ایران مجوز کسب کند. برای تحصیل و به دست آوردن این مجوز، باید درخواست خود را طی اظهارنامه‌ای همراه با مدارک لازم به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک تسلیم کند. این درخواست و اظهارنامه در سازمان ثبت اسناد و املاک مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس نظریه سازمان به وزارت امور خارجه اعلام می‌گردد. این وزارتخانه نیز پس از بررسی‌های لازم و معمول، نظر خود را اظهار می‌نماید و در صورت لزوم حتی از ریاست جمهوری نیز استعلام می‌کند. در پایان پس از موافقت

مقامات مذکور، اتباع بیگانه اجازه انجام معامله را خواهد داشت. البته باید در نظر داشت که این اجازه فقط در مورد

خرید ملک برای سکونت یا صنعت یا کسب خود فرد بیگانه است فرد متقاضی بیگانه برای کسب موافقت دولت ایران باید از حیث قانون ایران دارای اهمیت برای انجام معامله باشد. برای مثال مجنون و صغیر و سفیه نباشد. در ضمن باید دارای پروانه اقامت دائم در ایران باشد و تعهد کند که در صورت انتقال محل اقامت خود به کشور دیگر، ملک خریداری شده را حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ خروج از ایران، به یکی از اتباع ایرانی یا خارجی که اجازه دولت ایران را کسب کرده، بفروشد و گرنه اداره ثبت به نیابت از او مبادرت به فروش آن کند. در صورت فوت بیگانه ای که ملکی را در ایران به این ترتیب خریده، ثبت ملک به نام ورثه او در دفتر املاک، موکول به آن است که ورثه او نیز مجوز لازم را از دولت ایران کسب کرده باشند

حاکمیت قوانین راجع به احوال شخصیه بر زوجین بیگانه

در امور شخصی و خصوصی بیگانگان در ایران، در امور مربوط به ازدواج و طلاق، اگر زن و شوهر تبعه یک دولت خارجی باشند، مشکلی پیش نمی آید و قانون کشور متبوع بر روابط آنها حکومت می کند. اما اگر زن و شوهر تبعه دو کشور مختلف باشند، روابط شخصی و مالی بین آنان تابع قوانین کشوری است که شوهر تبعه آن محسوب می شود. برای مثال اگر بخواهیم روابط شخصی یک شوهر پاکستانی و یک زن فرانسوی را در ایران از حیث خرج و نفقه یا سکونت حل و فصل کنیم، قانون کشور پاکستان بر روابط این دو حاکم خواهد بود در مورد کلیه اتباع ... اما اگر شوهر ایرانی باشد، اصولاً قوانین مربوط به احوال شخصیه مانند ازدواج، طلاق، ارث، وصیت و بنابراین برابر ماده ۹۶۳ قانون مدنی اگر زوجین تبعه یک دولت، ایرانی حتی اگر در خارج از کشور زندگی کنند، حاکم است در امور مربوط به پدر و نباشند، روابط شخصی و مالی بین آنان تابع قانون دولتی است که شوهر تبعه آن محسوب می شود مادر و فرزندان، قوانین کشوری که پدر تابع آن است به اجرا در می آید مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم و یقینی باشد و پدر او معلوم نباشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر، تابع قانون دولت متبوع مادر است.

قانون حاکم بر ماترک بیگانگان

از حیث تعیین وراثت، مقدار سهم الارث آنها، نحوه تقسیم سهام بین آنها و اموال به جا مانده از متوفی بیگانه اعم از منقول وصیت متوفی نسبت به اموال، تابع قانون دولت متوفی خواهد بود. برای مثال اگر یک نفر فرانسوی که در ایران دارای خانه اثاث منزل و وجه نقد در حساب جاری است در ایران با کشور دیگری فوت کند، نحوه تقسیم اموال او و اینکه چه کسی ورثه او محسوب می شود یا سهم ورثه از اموال چگونه است و ... تابع قوانین کشور فرانسه خواهد بود

وضعیت اشخاص حقیقی از حیث حقوق عمومی مشارکت و نقش بیگانگان در امور سیاسی کشور امری است استثنایی و اصل بر عدم حضور و نقش آنان در این امور است، زیرا حقوق سیاسی امتیازی است که بر اساس قانون برای اعضای جامعه به منظور شرکت در انتخابات، همه پرسی و مشارکت در اداره امور کشور، به عنوان حق انحصاری ایرانیان در نظر گرفته شده است. علاوه بر محرومیت بیگانگان از حقوق سیاسی، این افراد از استخدام در نهادهای دولتی نیز محروم هستند مگر در شرایط خاص و با اجازه قانونگذار. در بیشتر قوانین استخدامی، شرط تابعیت ایران به عنوان یکی از شرایط اصلی استخدام در نظر گرفته شده است البته گاهی اوقات این امکان وجود دارد که دولت برای استفاده از تخصص بیگانگان، ناچار به استخدام آنان شود که در این صورت به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز می باشد. پس از تصویب مجلس، فرد مذکور باید از وزارت کار و امور اجتماعی نیز پروانه کار دریافت کند تا فعالیت او قانونی محسوب شود. علاوه بر مشاغل دولتی، بیگانگان از اشتغال به برخی کارهای عمومی مانند وکالت دادگستری و سردفتری اسناد رسمی نیز محروم می باشند.

وضعیت حقوقی بیگانگان در مورد نظام وظیفه

بیگانگان از حیث خدمت وظیفه عمومی معاف می باشند ولی از حیث مالیات بر درآمد تفاوتی بین آنان و اتباع داخلی وجود ندارد. برابر بند ۴ ماده یک قانون مالیات های مستقیم، هر شخص غیر ایرانی اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به کلیه درآمد هایی که از ایران تحصیل می کند، مکلف به پرداخت مالیات می باشد.

پذیرش حقوق قضایی بیگانگان

شخص بیگانه همانند اتباع داخلی حق مراجعه به دستگاه قضایی را دارد و در این مورد چه در موضوعات مدنی و چه موضوعات کیفری، به درخواست یا دادخواست یا شکایت او رسیدگی می شود. البته در امور مدنی (مانند بیع، فسخ قرارداد، مطالبه وجه و ...) بیگانگان از حیث تقدیم دادخواست و نحوه رسیدگی دارای محدودیت می باشند به این نحو که اگر بیگانه خواهان اصلی باشد یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوی اصلی شده باشد و طرف مقابل او ایرانی باشد، در حالی که طرف ایرانی برای رسیدگی به دادخواست او درخواست تأمین کند، طرف بیگانه در صورت محکومیت، باید در مهلت معین خسارت احتمالی را بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله که از طرف دادگاه تعیین شده، تأمین کند خسارت پرداخت نماید تا دادخواست او به جریان افتاده و رسیدگی شود. اگر در مهلت مقرر خواهان خارجی از دادن تأمین خودداری کند، به درخواست طرف ایرانی دادخواست او رد می شود؛ لازم به ذکر است که خواهان خارجی در موارد زیر از دادن تأمین معاف می باشد. اگر اتباع ایران در خاک دولت متبوع خارجی از دادن تأمین معاف باشند - اگر دعوی خارجی در مورد مطالبه برات، سفته یا چک باشد اگر دعوی خواهان بیگانه از جمله دعاوی تقابل به شمار آید یعنی دعاوی که مستند دعوی او سند رسمی باشد. در دعاوی که اقامه و طرح آنها با انتشار آگهی رسمی صورت می گیرد مانند اعتراض به ثبت ملک چنانچه جرمی نسبت به یک تبعه خارجی در ایران واقع شود، قابل تعقیب در دادگستری می باشد. همچنین به جرائم ارتكابی از سوی

آنان در ایران در مراجع کیفری ایران رسیدگی می شود. البته باید توجه داشت که نمایندگان سیاسی فرستاده شده از سوی دولت خارجی و کارمندان دیپلماتیک آن دولت از تعقیب کیفری در ایران مصون می باشند و قابل تعقیب نخواهند بود درباره ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران باید بیان نمایم این ماده از سه جزء تشکیل شده؛ جزء اول حاکی از تأیید قاعده عام ۱۴- تعارض قوانین منعکس در دو ماده ۷ و ۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ درباره اهلیت در زمینه خاص یعنی اهلیت برای معامله کردن است؛ جزء دوم استثنایی است بر جزء اول حاکی از قابل اجرا بودن قانون ایران درباره اهلیت بیگانه ای که در ایران عمل حقوقی انجام داده و طبق قانون کشور متبوع خود فاقد اهلیت و طبق قانون ایران دارای اهلیت است و جزء سوم مستثنیات از استثنای پیشین در سه زمینه حقوق خانوادگی، حقوق ارثی و نقل و انتقال اموال غیرمنقول واقع در خارج از ایران. با آنکه مقررات پیش بینی شده در این ماده بخشی از مصادیق ماده ۷ قانون مدنی را در مورد اهلیت به خود اختصاص داده، با این حال می توان گفت قاعده پیش بینی شده در ماده ۷ نیز جز درباره استثنای منعکس در جزء دوم آن ماده و نیز قاعده ماده ۹۶۶۰ درباره نقل و انتقال اموال غیرمنقول واقع در خارج ایران هم چنان پابرجاست.

نتیجه گیری

باتوجه باینکه همه کشورها به دنبال روابط بهتر و تنگاتنگ با دیگر دولتها هستند؛ لذا می بایست در حفظ حقوق و تأمین ۱۰ آسایش و امنیت اتباع بیگانه تلاش بیشتر و دوستانه ای صورت گیرد. آنگونه که نه تنها بیگانگان مقیم در کشور متبوع از احساس امنیت کافی برخوردار شوند، بعلاوه نیز از آنجایی که همه کشورها از اینکه به بیگانگان بهای زیادی داده شود می ترسند و جهت حفظ امنیت کشور و هم وطنان و همچنین به دلیل مسایل سیاسی و اقتصادی محدودیتهایی را برای بیگانگان قائل می شوند. در این رابطه باید رفتار متعارف با دیگر کشورها را فراموش نکرد و همیشه جانب احتیاط و تأمین حقوق بشری را در این زمینه ها نگاه داشت.

با توجه به مواردی چون گسترش فوق العاده سریع ارتباطات، خیزش جوامع انسانی به سمت ایده دهکده جهانی، تمایزهای ۲- اقتصادی میان کشورها، تمایل افراد بشری به سمت رفاه بیشتر و در نتیجه مهاجرت و کار در کشورهای برخوردار، بایستی اذعان داشت که مهاجرت پدیده ای است غیر قابل انکار و هم چنان رو به گسترش که وجود و گسترش این پدیده، لزوم قاعده مند نمودن و تطابق بیشتر با آن را توسط کشورها نشان می دهد سازمان بین المللی کار به عنوان نهاد ایجاد کننده هنجار در سطح فراملی در مبحث کار و کارگر، تاکنون تلاشها و اقدامات ۳- و پیمان نامه های زیاد و تا حدی قابل قبول به ثمر رسانده است که شایسته تقدیر می باشد و استمرار چنین روندی و حفاظت از این دستاورد ها لازم است؛ اما در شرایط فعلی تلاش این سازمان و کشورهای پیشرو در زمینه حمایت از کارگران مهاجر، بایستی در ورود هر چه بیشتر هنجارها و توافقات ناشی از مقاله نامه های بین المللی در سیستم حقوق داخلی سایر کشورها باشد، تا این مصوبات بین المللی در مرزهای داخلی جنبه عملی بیشتری به خود بگیرد، و این ممکن نیست مگر با افزایش آگاهی کشورها از لزوم پیروی از چنین مباحثی و هماهنگی و همکاری واقعی کشورها با یکدیگر در راستای توجه به منافع بنیادی جوامع خودشان. البته بایستی متذکر شد که ایجاد سیستم های نظارتی، تنبیهی و تشویقی توسط سازمان بین المللی کار در برخورد با کشورها، چه آنهایی که ملحق به همه یا

بعضی از مقاوله نامه‌ها هستند چه آنهایی که ملحق به همه یا بعضی نیستند، می‌تواند چتر حمایتی از کارگران مهاجر را گسترده کند راجع به کشور خودمان نیز بایستی اشاره داشت که با توجه به، هم مهاجر پذیر بودن و هم مهاجر فرست بودن کشور ایران، -۴ لزوم پیوستن ایران به اکثریت مقاوله نامه‌ها و چگونگی رفتار با اتباع و کارگران بیگانه و هماهنگی و همکاری با سازمان‌های تأمین اجتماعی و کارگری سایر کشورها آشکار است. زیرا منافع ملی جامعه ایرانی در این جهت است، که بر این اساس در یک چارچوب قاعده مند و حقوقی، کارگران خارجی دارای شرایط قانونی، هم از لحاظ داخلی هم از لحاظ بین‌المللی کار از سایر کارگران فاقد شرایط قانونی کار تفکیک و با هر دسته برخورد متعارف و قاعده مند شود و از طرفی دیگر اتباع ایرانی مهاجر به کشورهای دیگر برای کسب کار در زمینه حقوق مکتسبه و دریافت مستمری در صورت بازگشت به کشور از این حمایت‌های قاعده مند بین‌المللی در چارچوب رفتار متقابل، بیشتر برخوردار شوند.

فهرست منابع

- ۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۷۲
- ۲- ابراهیمی، سیدنصر الله؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر سمت، تهران ۱۳۸۳
- ۳- سلجوقی، محمود؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱ و ۲، انتشارات میزان، تهران ۱۳۸۶
- ۴- ارفع نیا، بهشید؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، انتشارات بهتاب، تهران ۱۳۷۵
- ۵- نصیری، محمد؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر آگاه، تهران ۱۳۸۷
- ۶- مکرمی، محمد علی؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، انتشارات دانشکده علوم قضائی، تهران ۱۳۸۰

- ۷- آرتور نوس بام، تاریخ مختصر حقوق بین الملل، ترجمه احمد متین دفتری، نشر امیرکبیر، تهران ۱۳۳۷
- ۸- صفدری، محمد؛ حقوق بین الملل عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، تهران ۱۳۴۱ ۹-
- نصیری، مرتضی؛ حقوق تجارت بین المللی در نظام حقوقی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۳
- ۱۰- طارم سری، مسعود؛ حقوق بین الملل بازرگانی، شرکت و چاپ و نشر بازرگانی، تهران ۱۳۸۲
- ۱۱- اشرفزاده، حمیدرضا و طارم سری، مسعود؛ آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی - اقتصادی، ج ۴، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران ۱۳۶۹
- ۱۲- دلیری، احمد و اروانی، محمدکاظم؛ بیمه و بانکداری، چاپ افست گلشن، تهران ۱۳۵۲ ۱۳- مزینی، مسعود و مهاجر تهرانی، محمدحسن؛ بانکداری بین المللی (۲)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش بانکداری، تهران ۱۳۶۷
- ۱۴- رابرت بلدسو و بوسلاو بوسچک؛ فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه و تحقیق علیرضا پارسا، انتشارات قومس، تهران ۱۳۷۵
- ۱۵- ربه کا والاس، حقوق بین الملل، ترجمه محمد شریف، انتشارات غزال، تهران ۱۳۷۸
- ۱۶- شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، انتشارات دراک، تهران ۱۳۸۶
- ۱۷- عراقی، عزت الله حقوق بین المللی کار، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۷
- ۱۸- نصیری، محمد؛ حقوق بین الملل خصوصی ج ۱ و ۲، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۷۲
- ۱۹- شایگان، سیدعلی؛ حقوق مدنی، ج ۱، چاپ سوم، چاپخانه مجلس ۱۳۲۴
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ ج ۱، انتشارات میزان، تهران ۱۳۴۷
- ۲۱- الماسی، نجادعلی؛ تعارض قوانین، نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۸
- ۲۲-.....؛ حقوق بین المللی خصوصی، نشر میزان، تهران ۱۳۸۲
- ۲۳- خلعتبری، ارسلان حقوق بین الملل خصوصی و تعارض قوانین، تهران ۱۳۱۶
- ۲۴- روسو، شارل؛ حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، ترجمه محمدعلی حکمت، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۷
- ۲۵- ضیایی بیگدلی، محمدرضا حقوق بین الملل عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۲
- ۲۶- طباطبائی مؤتملی، منوچهر؛ آزادیهای عمومی و حقوق بشر، دانشگاه تهران ۱۳۷۰
- ۲۷- زمانی، سیدقاسم؛ حقوق سازمان های بین المللی (شخصیت، مسئولیت، مصونیت)، نشر شهردانش، تهران، ۱۳۸۷

- ۲۸- میر عباسی، دکتر سید باقر و سادات میدانی، دکتر سید حسین دادرسی های بین المللی دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل، انتشارات جنگل، چاپ اول ۱۳۸۴، چاپ دوم ۱۳۸۷. چاپ سوم ۱۳۸۹
- ۲۹- صدر، محمدجواد حقوق دیپلماتیک و کنسولی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۶
- ۳۰- نوری، حسین؛ وضعیت حقوق عمومی بیگانگان در حقوق موضوعه ایران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۷۶
- ۳۱- هادیان، محسن؛ بررسی محدودیتهای مالی بیگانگان در حقوق ایران با تطبیق بر قوانین بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد دامغان ۱۳۹۱
- ۳۲- خیراللهی، پروین حقوق بشر و تأثیر آن بر حاکمیت ملی دولتها، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی زمستان ۱۳۷۸، دوره ۳، شماره ۴